کلید واژه های اندیشه های آسمانی

 الف) مراحل تمدن نوین اسلامی :

در مبحث تمدن  نوین اسلامی، مقام معظم رهبری می فرمایند؛ یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد :

 حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است.

 الف-1)  انقلاب اسلامی :

 انقلاب اسلامی - که حلقه‌ی اول است - حرکت انقلابی است؛ والّا به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل میشود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون میکند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده میکند.

الف-2) نظام اسلامی :

حلقه‌ی بعد، نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب میکنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزشهای اسلامی همراه است (24/7/90).  نظام اسلامى، يعنى طرح مهندسى و شكل كلّى اسلامى را در جايى پياده كردن. مثل اين‌كه وقتى در كشور ما نظام سلطنتىِ استبدادىِ فردىِ موروثىِ اشرافىِ وابسته برداشته شد، به جاى آن، نظام دينىِ تقوايىِ مردمىِ گزينشى جايگزين مى‌شود؛ با همين شكل كلّى كه قانون اساسى برايش معيّن كرده، تحقق پيدا مى‌كند؛ يعنى نظام اسلامى.(12/9/79)  ما از این حلقه هم عبور کردیم.

الف-3) دولت اسلامی :

منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیانهای اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره کننده‌ی کشور.

الف-4) جامعه‌ی اسلامی :

بخش بعد از آن، جامعه‌ی اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنای ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفتهای همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهمِ میانه‌ی ما.

 چرا میگوئیم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهمترین مسئولیت این جامعه این است که انسانها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «ما خلقت الجنّ و الانس الّا لیعبدون»؛  انسانها به عبودیت برسند. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا میرسد، یعنی به معرفت کامل خدا میرسد، تخلق به اخلاق‌الله پیدا میکند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهائی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والائی است.

الف-5)  امت اسلامی :

 وقتی یک چنین جامعه‌ای (جامعه اسلامی) به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد.(24/7/90) از كشور اسلامى مى‌شود دنياى اسلامى درست كرد. الگو كه درست شد، نظايرش در دنيا به وجود مى‌آيد.(12/9/79). وقتى كشور اسلامى پديد آمد، تمدن اسلامى به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامى فضاى عمومى بشريت را فرا خواهد گرفت. اينها همه‏اش با مراقبت و با تقوا عملى است؛ تقواى فردى و تقواى جماعت و امت. (21/9/80).

ب)مولفه های مسجد طراز اسلامی

مؤلفه های مسجد طراز از پیام اجلاس نوزدهم نماز اینگونه احصاء می گردد :

 ب-1)  امامت :

منظور روحانی پرهیزگار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد می باشد که همچون پزشک و پرستاردر بیمارستان، روح و مایه‌ی حیات مسجد است. امامان جماعت باید آماده‌سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند.

ب-2) فعالیت:

مساجد باید مَدرِس تفسیر و حدیث و منبرِ معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌‌ای برقرار گردد. مسجد باید رابطه‌ی خود را با جوانانی که ازدواج میکنند، با کسانی که به موفقیتهای علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند، با صاحب همّتانی که کمک به دیگران را وجهه‌ی همت میسازند، با غمدیدگانی که غمگساری می‌جویند، و حتی با نوزادانی که متولد میشوند، برقرار و مستحکم کند.

ب-3) مکانت :

مربوط به عمران مساجد و پرداختن به آرایه‌های معنوی و ظاهری آن  می باشد که وظیفه‌ی همگان است و هر کسی به اندازه‌ی توان و همت  باید در آن سهیم گردد. مردم، شهرداریها و دستگاههای دولتی هر یک در آن باید سهمی ایفاء کنندو روحانی دانا و مسئولیت‌پذیر و پرهیزگار میتواند و میباید محور این منظومه‌ی تلاش مقدس باشد.

ب-4) مامومیت :

1    ) مسئولین مرتبط ( مسئولین وتصمیم گیران دستگاه هایی مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط با مسجد هستند از قبیل ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز رسیدگی به امور مساجد، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات، بسیج، وزارت مسکن و راه سازی، شهرداری و ...)

2) مأمومین نخبه ( کسانی که می توانند حلقه واسط بین مسئولین و متولیان مسجد باشند و مقدمات عملیاتی شدن تصمیمات مسئولین در مسجد را فراهم نمایند از قبیل فعالان فرهنگی، کارشناسان و تصمیم سازان دستگاه های فوق الذکر و...)

  3) متولیان مسجد ائمه جماعات، هیأت امنا، کانون های فرهنگی هنری مساجد، خادمین و ...

ج) هشت عنوان از بایدهای فرهنگی :

ج-1) پشتوانه نظری :

یکی از کارهای مهم، کار نظری است یکی از سخت ترین جهادها این است که در مقابله با هجوم افکار و فرهنگ های غلط و انحرافی و درک غلط جمعی از مردم، انسانی که حق را می شناسد، بایستد و بخواهد از حق دفاع کند و با بیان، با فکر، با منطق و با سلاح زبان و قلم، ذهن ها را به سمت آنچه درست است، هدایت کند. این از آن جهادهای بسیار دشوار است و شهید مطهری، این جهاد سخت را سال های متمادی انجام داد( 15/2/1372).

ج-2) انتظام کارفرهنگی :

کارفرهنگی ، برف انبار نمی شود و این طور نیست که هرکس هر کاری از دستش برآمد،بکند.این گونه کار فرهنگی به درد نمی خورد. انبوه کار فرهنگی ، مهم نیست؛ انتظام کار فرهنگی،چیده شدن و گزیده شدن و هرکاری در جای خود قرار داشتن،این مهم است که باید هوشمندانه باشد(30/11/1370).

ج-3) الویت فرهنگی :

نگاه نید ببینید چه کاری روی زمین مانده است. چنانچه هرجا ملاحظه کردید این کاری که شما می خواهید انجام دهید، قبلا یک جای دیگری برای این کار تدارک دیده شده، خب اقدام اول این است بروید سراغ آنجا، ببینید این تدارک، تدارک کافی و قانع کننده ای هست یا نیست. اگر بود، بار از دوش شما برداشته است، اگر نبود، سعی می کنید تکمیل کنید(2/2/1392).

ج-4) کار تشکیلاتی :

ما اگر بخواهیم در مقابل جبهه دشمن کار کنیم ، هم باید تنوع داشته باشیم، هم باید ابتکار داشته باشیم، هم باید انگیزه داشته باشیم، هم باید برنامه داشته باشیم؛ کارمان هدایت شده باشد. و این نمی شود مگر با  تشکیل جبهه. از افراد و حتی مجموعه ها به تنهایی کار بر نمی آید، باید کار وسیع جبهه ای انجام داد. (2/2/1392).

ج-5) مبنایی بودن:

به طور کلی وظایفی برعهده ماست؛ هم ما به عنوان دولت و حکومت، هم ما به عنوان یک فرد مسلمان. اما این وظایف یک مبنای فکری دارد. خصوصیت تفکّر اسلامی و مکتب اسلامی و دینی این است. اگر از این بحث میکنیم که باید آزادی باشد، یا انتخاب و اختیار در جامعه برای مردم وجود داشته باشد، یا هر یک از سیاستهای عمومی و کلّی را مورد بحث قرار میدهیم، برای هر کدام از اینها مبنایی وجود دارد. اگر از ما بپرسند چرا مردم باید حق رأی داشته باشند، یک استدلال فکری و منطقی پشت سرش وجود دارد؛ معلوم است چرا. همه آنچه که در زمینه برنامه‌ریزیها، خطوط اصلی برنامه‌ها را تشکیل میدهد، یک سر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبشخور اندیشه اسلامی، جهان‌بینی اسلامی، تلقّی و برداشت اسلامی؛ که این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست؛ براساس آن برداشت و آن تلقّی است که وظایف خودمان را مشخّص میکنیم و میخواهیم به آنها عمل کنیم(12/09/1379).

ج-6) داشتن نقشه :

الگو هم نقشه‌ی جامع است. وقتی میگوئیم الگوی ایرانی - اسلامی، یعنی یک نقشه‌ی جامع. بدون نقشه‌ی جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان که در طول این سی سال، به حرکتهای هفت و هشتی، بی‌هدفو زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه‌ی فرهنگ، هم در زمینه‌ی اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون - انجام دادیم! این به خاطر این است که یک نقشه‌ی جامع وجود نداشته است. این الگو، نقشه‌ی جامع است.(10/9/1389).

ج-7) هدف:

همه چیز مقدمه است؛ جامعه‌ی اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که «لیقوم النّاس بالقسط»  - که به عنوان هدف انبیاء ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهائی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد.

ج-8)  داشتن جهت :

جهت گیری را باید درست انتخاب کنیم ؛ این قطب نما است، این شاخص اصلی است. اگر چنانچه جهت گیری را غلط  انتخاب کردیم، در انتخاب جهت گیری اشتباه کردیم، تلاش مضاعف ما نه فقط ما را به نتیجه نمی رساند ، بلکه ما را از راه دور می کند.